

درآمد: وقار به فرهاد میرزا در باب بیماری و کسالت و نیز قراری که باید خارج از شهر مراسمی برگزار کرد تا کارها بهتر روال یابند.

[خط مرحوم وقار است که به مرحوم حاج فرهاد میرزا معتمد الدوله نوشته. آقای محمود فرهاد یادگار باین جانب داده اند. ۲۷ دی ۱۳۲۱ هجری شمسی. قاسم غنی.]

هو

جعلت فداک و رزقت شرف لقاک از راه وفور مرحمت و فقیر نوازی جویای حال داعی دیرین گردیده بودند. چند روز بود دور از وجود مسعود مبارک خیلی بیحالی و مرض ترکتاز کرد. جناب مولانا روحی عارف قیومی حکایتی در مثنوی نموده که سه نفر بودند یکی کور دوربین و یکی کر دور شنو و یکی برهنهء دامان بلند و داعی چهارمین آنها هستم که دندان درد پی اسنان است با عدم دندان چند روز است که گرفتار تب و درد دندان هستم ولی از التفات سرکار الله الحمد امروز قدری بهترک است و نزدیک به نضج است الآن که عمدهء امراض محرومی از فیض حضور مبارک است امید که هرگز ازین فیض محروم نمانم و تا ابد بر خلق این در باز باد. خداوند تعالی این کنف امان و ملاذ زمان و محل نیل امانی و آمال را از اهل این ملک خاصه این فقرای ارادت شعار بی سامان نگیرد. حکایت آقا میرزا علی از قرار بولان هوائی می‌کرد و الحاح جمعی را در این کار کرد که فی الواقع طریق حکمت و دانش همان است که اول فرمایش رفته بود ولی چون جمعی ندیده‌اند و تازگی دارد اینهم التفاتی است در حق مردم ولی داعی را فضولا به نظر قاصر می‌رسد که لازم بود به عرض مبارک برسانم اگر صلاح باشد قرار آن را در خارج شهر بگذارند از هر جهت بی غایله‌تر است. اگر مقرب‌الحضرت الوالا بیگلربیگی متعهد شود که نسوان از شهر خارج نشوند و الا در شهر اجماع کلی می‌شود و مایه رخام قلم خواهد شد در هنگام معاودت هم باز در صحرا مناسبتر است ولی معلوم است عقل کل خود ابصر بطریق اصلحند. خداوند سایهء سرکار را از سر داعیان کم نفرماید. الامرکم المطاع